

همگرایی و واگرایی گفتمان رسانه‌ای برجام^۱

پویا نعمت‌اللهی^۲، محمدرضا رسولی^۳، سید محمود نجاتی حسینی^۴

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۲۱، تاریخ تایید: ۹۹/۰۲/۲۲

DOI: [10.22034/JCSC.2020.121514.2093](https://doi.org/10.22034/JCSC.2020.121514.2093)

چکیده

در نظریه‌ی گفتمان، جهان اجتماعی از طریق گفتمان در قالب معنا فهم شده و گفتمان‌ها حسب مطالباتی که جامعه از آن‌ها دارد، نظام معنایی مشخصی در وجوه مختلف می‌سازند. این پژوهش با فراهم‌آوردن چارچوب نظری بر اساس نظریه‌ی گفتمان لاکلاو و موفه، واگرایی و همگرایی گفتمان‌های مرتبط با برجام را در قالب دو گفتمان «رسمی/دولتی» و «محافظه‌کاری» در سطح رسانه‌های هوادار آن‌ها در راستای چگونگی تثبیت نظام معنایی شناسایی کرده است. بدین‌منظور محتواهای رسانه‌ای پنج رسانه برای سه دوره‌ی سال ۱۳۹۴، سال ۱۳۹۵ و سال ۱۳۹۶ لغایت نیمه آبان ۱۳۹۷ بررسی شد. حوزه‌ی پژوهشی به دو سطح خرد و کلان تقسیم شده است. در بخش خرد، موضوعات زبانی و واژگانی بررسی شد و در بخش کلان نیز موضوع پژوهش در قالب کاربست‌های گفتمانی مورد توجه است. نتایج بررسی‌ها حاکی است هر دو گفتمان چشم به دال‌های تهی دارند. گفتمان رسمی/دولتی ذیل همین راهبرد عناصر و دال‌های موجود در حوزه‌ی گفتمان‌گویی را شکار کرده است. در دوره‌ی اول و دوم، گفتمان محافظه‌کار از رویکرد کنش‌گرایانه‌ی فعال‌تری برخوردار بوده و وقته‌های ایدئولوژیک را به خدمت درمی‌آورد. در دوره‌ی دوم هر دو طرف دست به تغییر آرایش گفتمانی خود زدند. گفتمان محافظه‌کار دال مرکزی خود را از حوزه‌ی گفتمان‌گویی رقیب اخذ کرد. در دوره‌ی سوم هر دو گفتمان به دال‌های شناور توجه دارند. در سازوکار برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی در عرصه‌ی زبان، بازنمایی‌های مثبت و منفی با هدف برساختن دوگانه‌ی «خود مشروع» و «دیگری نامشروع» در دستور کار هر دو گفتمان قرار دارد و شیوه‌ی اصلی در قالب راهکارهای ارجاعی است.

کلمات کلیدی:

برجام، برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، زنجیره‌ی هم‌ارزی و تفاوت، نظریه‌ی گفتمان، همگرایی و واگرایی گفتمانی

۱ این مقاله، از رساله‌ی دکتری پویا نعمت‌اللهی با همین عنوان در دانشگاه آزاد اسلامی دانشکده‌ی علوم ارتباطات و مطالعات رسانه واحد تهران مرکزی به راهنمایی محمدرضا رسولی و مشاوره‌ی سید محمود نجاتی حسینی استخراج شده است.

۲ دانشجوی دکتری علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده‌ی علوم ارتباطات و مطالعات رسانه؛ دانشگاه آزاد اسلامی؛ واحد تهران مرکزی؛ (نویسنده‌ی مسئول)؛ pooya1352@gmail.com

۳ دانشیار؛ عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم ارتباطات و مطالعات رسانه؛ دانشگاه آزاد اسلامی؛ واحد تهران مرکزی؛ moh.rasouli@yahoo.com

۴ استادیار جامعه‌شناسی؛ دانشگاه آزاد اسلامی؛ nejati.hosseini@gmail.com

مقدمه و بیان مساله

در تیرماه ۱۳۹۴ توافق «برنامه‌ی جامع اقدام مشترک» (برجام) برای پایان دادن به تنش‌ها بر سر برنامه‌ی هسته‌ای ایران فی‌مابین ایران و گروه ۱+۵ حاصل شد. ترامپ نهایتاً در اردیبهشت ۱۳۹۷ کشورش را از این توافق هسته‌ای خارج کرد. از یک سو مدافعان پروپاقرص برجام قرار دارند که آن را نوش‌داروی شفابخش برای دردهای عمیق و مزمن اقتصاد و جامعه می‌دانند و در سوی دیگر منتقدان بر این باورند که برجام معبری برای تخریب بنیان‌های امنیت ملی کشور، دگردیسی نقش منطقه‌ای و موقعیت ژئوپولیتیک ایران و بخشی از یک پروژه‌ی بزرگ پنهانی و چندلایه‌ای در راستای براندازی جمهوری اسلامی است. این دو نگاه در این پژوهش به ترتیب با عناوین «رسمی/دولتی» و «محافظه‌کار» معرفی می‌شوند. یکی از مهم‌ترین موضوعات گفتمان رسانه‌ای در سپهر رسانه‌ای کشور، معطوف به برجام است؛ به‌گونه‌ای که دال مرکزی گفتمان رقابت سیاسی را در ایران پدید آورده که داوری آن به منبع اصلی دوقطبی‌سازی سیاسی در کشور تبدیل شده (کریمی، ۱۳۹۵: ۲۱۹) و سایر مناقشات و منازعات گفتمان سیاسی کشور در نسبت با برجام ارزیابی می‌شود. در این میان، نظام‌های گفتمانی حاکم بر جامعه، تلاش دارند از طریق محصولات رسانه‌ای، نسبت به تقویت و بازتولید گفتمان خود اقدام نمایند. این پژوهش قصد دارد مؤلفه‌های گفتمان رسانه‌ای دو گفتمان مزبور را طی سه دوره‌ی زمانی مشتمل بر سال ۱۳۹۴، سال ۱۳۹۵ و سال ۱۳۹۶ لغایت نیمه‌ی آبان ۱۳۹۷ بررسی نماید. اهداف این پژوهش عبارت است از شناسایی مواضع گفتمانی رسانه‌ها پیرامون برجام، شناخت مفصل‌بندی گفتمان‌های مربوطه در سه دوره‌ی زمانی مربوطه، بررسی خوشه‌های نشانه‌ها و نظام‌های معنایی دو گفتمان مزبور، تشریح زنجیره‌های هم‌ارزی و تفاوت در راستای پیکارهای گفتمانی و شناسایی چگونگی فرآیندهای حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی در تنازعات گفتمانی پیرامون برجام در عرصه‌ی زبان.

مرور پیشینه‌ی پژوهش

تاکنون عمده‌ی پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون برجام، از منظر علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و علم حقوق بوده است. با آنکه مقاله‌های زیادی با استفاده از نظریه‌ی لاکلاو و موفه منتشر شده اما بررسی اسناد موجود حاکی است که تاکنون پژوهشی در سطح رساله‌ی دکتری در رشته‌ی علوم ارتباطات اجتماعی با موضوع برجام و تحولات آن تا مقطع خروج آمریکا از منظر نظریه‌ی

گفتمانی ارنستو لاکلائو^۱ و شانتال موفه^۲ صورت نگرفته است. پژوهش حاضر معطوف به جنبه‌های رسانه‌ای بازنمایی گفتمانی برجام است و از این حیث می‌تواند نوآورانه باشد. این پژوهش در مسیر اجرایی خود به چند نمونه از کتاب‌ها و رساله‌ها توجه داشته است:

سلطانی (۱۳۸۴) در کتاب «قدرت، گفتمان و زبان» با ترکیبی از نظریه‌ی لاکلائو و موفه و ابزارهای فرکلافی، و با استفاده از شیوه‌های تحلیل متن فونکسیونال هلییدی، مفصل‌بندی گفتمان انقلاب اسلامی را در دو وجه اصلاح‌طلب و محافظه‌کار بررسی نموده و شیوه‌ی تعامل این دو اردوگاه را در قالب اقدامات برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی آن‌ها در ذیل متن‌های منتسب به هر کدام از آن‌ها مورد مطالعه قرار داده است. محقق بر این گمان است که قدرت پنهان در گفتمان‌های سیاسی و به‌واسطه‌ی فرآیندهای برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی جریان می‌یابد.

صفری شالی (۱۳۹۲) در رساله‌ی دکتری خود در رشته‌ی رفاه اجتماعی با عنوان «بررسی گفتمان عدالت اجتماعی در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی ایران» تلاش نموده تا نشانه‌های اصلی و مفصل‌بندی‌های خاص هر گفتمان را در دولت‌های بعد از انقلاب شناسایی کند. او به این نتیجه رسیده که دال عدالت در بین دولتمردان جمهوری اسلامی کم‌وبیش مورد توجه بوده و در مفصل‌بندی‌های گفتمانی عدالت در چهار دولت (دولت جنگ، دولت سازندگی، دولت اصلاحات و دولت اصولگرایی) به عنوان دال مرکزی قرار داشته است.

امینی (۱۳۹۰) از رساله‌ی دکتری خود در رشته‌ی جامعه‌شناسی سیاسی با عنوان «تحول گفتمان مجمع روحانیون مبارز و عوامل مربوطه» دفاع کرد. وی از نظریه‌ی گفتمان لاکلائو و موفه و همچنین رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف بهره گرفته و مفصل‌بندی گفتمانی این مجمع را در طول تحولات از ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۸ مطالعه کرده و دال‌های شناور متعددی برای این گفتمان شناسایی نموده است.

جمشیدی (۱۳۹۱) رساله‌ی دکتری خود در رشته‌ی علوم سیاسی با موضوع «تبیین مبانی گفتمان‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا و تاثیر آن بر احزاب جبهه‌ی دوم خرداد و پیروان خط امام و رهبری» را در دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه اصفهان ارائه کرده است. این رساله از روش تحلیل گفتمان لاکلائو و موفه بهره گرفته و چگونگی هژمونیک‌شدن گفتمان انقلاب اسلامی و ظهور خرده‌گفتمان‌های اصلاح‌طلب و اصولگرایی را بررسی کرده است.

1 Ernesto Laclau

2 Chantal Mouffe

امینی (۱۳۹۴) رساله‌ی دکتری خود را در رشته‌ی جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه با موضوع «بررسی تطبیقی گفتمان‌های توسعه‌ی اقتصادی و عوامل مؤثر بر آن در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی» ارائه کرده است. در تبیین توسعه‌ی اقتصادی از نظریات علوم اقتصادی و از نظریه‌ی لاکلاو و موفه نیز به عنوان چارچوب مفهومی برای تبیین تحول گفتمان توسعه‌ی اقتصادی بهره گرفته شده است.

فیروزآبادی و عطایی (۱۳۹۵) در کتاب «گفتمان‌های هسته‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» ضمن بررسی جایگاه نظریه گفتمان میان سنت‌های نظری تحلیل سیاست خارجی و دلالت‌های نظری به‌کارگیری نظریه گفتمان در تحلیل سیاست خارجی، چارچوب نظری پژوهش خود را مبتنی بر نظریه گفتمان لاکلاو و موفه ارائه کرده و دل‌های گفتمان هسته‌ای دولت یازدهم به عنوان نظام معنایی تبیین نموده و آنگاه چگونگی هم‌مونیک‌شدن آن در کشمکش با سایر گفتمان‌های رقیب در سیاست خارجی ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند.

قلخانی (۱۳۹۶) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود به موضوع تحلیل گفتمان یادداشت‌های رسانه‌ای برجام در رسانه‌های داخلی پرداخته است. محقق تعداد ۵۰ یادداشت در رسانه‌های ایرانی انتخاب و مطالعه کرده و نتیجه گرفته شده که رویکرد انتقادی از غرب در متن آن‌ها برجستگی زیادی دارد.

مظفری (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل زبان‌شناختی بازتاب برجام در گفتمان‌های رقیب بر اساس رویکرد انتقادی فرکلان» با هدف آشکارسازی روابط پنهان قدرت و ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک موجود در متون زبانی در چارچوب رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلان به بررسی بازتاب برجام در دو روزنامه‌ی کیهان و شرق (دو گفتمان اصول‌گرا و اصلاح‌طلب) می‌پردازد. پژوهشگر به این نتیجه رسیده که هر دو گفتمان رقیب در متون تولیدشده خود کوشیده‌اند با بهره‌گیری از استراتژی‌های زبانی به تخریب وجهه‌ی گفتمان رقیب بپردازند.

و بالاخره رضایی‌پناه و شوکتی مقرب (۱۳۹۴) در کتاب «هویت، گفتمان و انتخابات در ایران» با استفاده از نظریه‌ی گفتمانی لاکلاو و موفه موضوع انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۹۲ را مورد مطالعه قرار داده‌اند. این اثر کوشیده تا با بررسی مبانی زبان‌شناسی، نشانه‌شناختی و گفتمانی انتخابات مذکور، کیفیت هم‌مونایی گفتمان اعتدال‌گرایی را در تقابل

گفتمانی با سایر گفتمان‌های موجود در آن انتخابات با توسل به مستندهای تبلیغاتی که نامزدهای آن انتخابات تهیه و پخش کرده بودند، بررسی نماید.

به لحاظ روش‌شناسی نیز تا کنون از نظریه‌ی گفتمان لاکلاو و موفه در راستای بررسی برجام در سطح رساله‌ی دکتری در علوم ارتباطات استفاده نشده و به همین خاطر پژوهش حاضر نوآورانه است. همچنین عمده‌ی پژوهش‌های موجود با استفاده از نظریه‌ی گفتمان بر اساس ابزارهای تحلیل متن استوار بوده است. اما پژوهش حاضر برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی دو گفتمان را از طریق برخی مؤلفه‌های زبان‌شناسی و آراء هلیدی در نظام فونکسیونال گرامری (نظیر هم‌آیی‌های زبانی و ارجاعات) در کنار مؤلفه‌هایی نظیر میان‌متنیت، دلالت‌ها و حضور و غیاب دریدایی مورد بررسی قرار داده که از این حیث نیز نوآورانه است.

روش‌شناسی

الف) گفتمان به‌مثابه‌ی نظریه؛ نظریه‌ی گفتمان لاکلاو و موفه

گفتمان شیوه‌ی خاصی برای سخن‌گفتن درباره‌ی جهان و فهم آن (یا یکی از وجوه آن) است (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۸). ارنستو لاکلاو و شانتال موفه نظریه‌ای در باب گفتمان ارائه کرده‌اند «گفتمان تاکیدی است بر این واقعیت که پیکره‌بندی اجتماع، دارای معنا است». (Laclau and Mouffe, 1987: 52). نظریه‌ی گفتمان با این فرض اساسی آغاز می‌شود که معنای هر کردار (پرکتیس)، حاصل نظام‌های مشخصی از قواعد است: «هر پرکتیسی را که منجر به برقراری رابطه‌ای بین عناصر شود به‌گونه‌ای که هویت عناصر دچار تغییر و تبدیل^۱ گردد، با عنوان مفصل‌بندی^۲ می‌نامیم. کلیت ساختاریافته و ساخت‌مند ناشی از این پرکتیس مفصل‌بندی را نیز با عنوان «گفتمان» می‌شناسیم. یک سری جایگاه‌ها و مواضع افتراقی^۳ حاصل می‌شود. این جایگاه‌ها را مادامی که در درون یک گفتمان مفصل‌بندی شده باشد «وقته»^۴ نامیده و متقابلاً هر جایگاه افتراقی را که در مفصل‌بندی گفتمان شرکت نداشته باشد، با نام «عنصر»^۵ معرفی می‌کنیم. (Laclau and Mouffe, 1985: 105). در عین حال لاکلاو و موفه از یک سری نقاط مرجح گفتمانی نام می‌برند که تثبیت نسبی^۶ را حاصل

1 Modify

2 Articulation

3 differential positions

4 moment

5 element

6 partial fixation

می‌آورند و با نام «دال مرکزی»^۱ معرفی می‌شوند. کارویژه‌ی اصلی مفصل‌بندی آن است که عناصر را به وقته‌ها تبدیل کند.

هرگفتمان در نهایت به بلای تکثر معنا دچار می‌شود (Jorgensen and Philips, 2002: 28) که ناشی از بروز و ظهور مفصل‌بندی‌های جدید است. علاوه بر آن یک سری «دال شناور»^۲ وجود دارد که مدلول آن‌ها شناور و متغیر است. هرگفتمان برحسب منظومه‌ی معنایی خود، تلاش دارد تا مدلول‌های موردنظرش را به آن نسبت دهد و سایر مدلول‌ها را از اطراف آن پراکنده کند. گفتمان تلاش می‌کند تا هرگونه آلترناتیو در معنای نشانه‌ها را به طور موقت از بین ببرد تا ابهام‌ها کاهش یابد. معانی مطروحه به مکانی به نام «حوزه‌ی گفتمان‌گونگی»^۳ تبعید شده و منتظر می‌مانند تا گفتمان دیگری آن‌ها را به خدمت خود درآورد. هرگفتمان تلاش دارد تا بر این منطقه مسلط شود (Mouffe, 1993: 114). اگر معنای تثبیت‌شده‌ی وقته‌ها در درون گفتمان دچار تزلزل شود؛ آنگاه پدیده‌ی بی‌قراری^۴ یا ازجاشدگی رخ می‌دهد.

مقوله‌ی هویت در نظریه‌ی گفتمان با مفهوم ضدیت و غیریت^۵ شناخته می‌شود. «آنتاگونیسم، مرزهای سیاسی یا حدود صورت‌بندی اجتماعی را نیز فاش می‌کند. این مرزبندی‌ها نقاطی را نشان می‌دهند که در آن‌ها «هویت» نمی‌تواند درون نظامی معنادار از تفاوت‌ها تثبیت شود اما توسط نیروهایی که در محدوده‌ی آن نظم هستند، تهدید می‌شود» (Howarth, 2000: 102). نکته‌ی مهم این است که هویت تمامی نهادها و دستگاه‌ها و ترتیبات وابسته و پیوسته به یک گفتمان (مثلاً باورمندان آن گفتمان، عوامل رسانه‌ای، مدیران و دست‌اندرکاران) نیز تحت تاثیر همان غیریت‌سازی‌ها قرار می‌گیرد.

مفهوم هم‌ارزی و تفاوت^۶ نیز در متن نظریه‌ی گفتمان قرار دارد. «منطق تفاوت بر اختلافات و مرزبندی‌های موجود میان نیروهای اجتماعی تاکید دارد و در مقابل نیز منطق هم‌ارزی در تلاش است از طریق مفصل‌بندی بخشی از نیروها، تمایز میان آن‌ها را کاهش داده و آنان را در برابر یک «غیر» منسجم کند (کسرایبی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۹-۳۴۸).

مؤلفه‌های متعددی در نظریه‌ی گفتمان مورد بحث قرار دارد. لاکلائو در کتاب مهم خودش با عنوان «تاملاتی بر انقلاب عصر ما» در مورد پدیده‌ی قدرت می‌گوید: «عینیت چیزی جز شکل رسوب‌یافته از قدرت نیست (Laclau, 1990: 60). از همین جمله‌ی لاکلائو نتیجه گرفته

1 Nodal point
2 Floating signifier
3 Field of discursivity
4 Dislocation
5 Antagonism and otherness
6 Equivalence and difference

شده که «قدرت و سیاست دو روی یک سکه هستند» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۷۴). قدرت فقط جنبه‌ی سلبی (سرکوب) ندارد. بلکه نظارت می‌کند، برمی‌انگیزاند، خلق می‌کند، موقعیت‌سازی و بسترآرایی می‌نماید» (داوودی، ۱۳۸۹: ۶۵). گفتمان‌ها همواره سوژه‌ها را در موقعیت‌های دو قطبی قرار می‌دهند. این قطب‌ها می‌تواند به شکل «ما و آن‌ها»، «دوست و دشمن» و نظایر آن باشد. وقتی چنین موقعیتی بر ذهن سوژه نشانده شود، آنگاه سوژه طبعاً پرکتیس‌های خود را در قالب همین دو قطبی‌ها می‌ریزد. مفهوم برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی در همین راستا قابل تعریف است. اساساً گفتمان‌ها در ضدیت و دشمنی با یکدیگر شکل می‌گیرند و هویت‌یابی یک گفتمان صرفاً در تعارض با گفتمان‌های دیگر امکان‌پذیر است. هر گفتمانی با برجسته‌سازی خود درصدد حاشیه‌رانی گفتمان‌های رقیب می‌باشد و لذا در چنین شرایطی امکان مصالحه میان گفتمان‌ها غیرممکن می‌شود (رضاپورقوشچی و مقصودی، ۱۳۹۷: ۴۹).

ب) مبانی روش‌شناسی

یورگنسن و فیلیپس پیشنهاد می‌کنند از روش‌های تحلیل متن فرکلاف در نظریه‌ی لاکلاو و موفه استفاده شود. (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۲۳۹-۲۳۸). اسژولاندر اشاره می‌کند که هرکدام از این دو مکتب توضیح خود را برای «معنا» و «امکان‌پذیری تغییرات اجتماعی» دارند و تلفیق این دو رویکرد را بلامانع دانسته و چندین مورد پژوهش تلفیقی نیز معرفی می‌کند (Sjölander, 2011: 32-33). سلطانی معتقد است «نظریه‌ی لاکلاو و موفه می‌تواند تبیین‌های کلان اجتماعی را فراهم آورد و از سوی دیگر ابزارهای تحلیل متن فرکلاف می‌تواند تبیین‌های خرد زبان‌شناسی را برای آن فراهم کند» (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۰۹). با این اوصاف در این پژوهش تفاوت بین امر گفتمانی و امر غیرگفتمانی نیز رها می‌شود و همه چیز به تأسی از رویکرد لاکلاو و موفه «گفتمانی» مفروض می‌شود. بدین ترتیب کنش آن نماینده‌ی مجلس که متن کاغذی برجام را آتش می‌زند (یک کنش فیزیکی)، همانند کنش وزیر امور خارجه است که یک توییت می‌نویسد (یک کنش زبانی). هر دو کنش مزبور به دنبال حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی هستند.

ج) ابزارهای برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی در زبان:

سازوکار برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی در سطح گفتمان‌های رسانه‌ای در قالب زبانی متجلی می‌شود. به نظر می‌رسد زبان‌شناسی فونکسیونال (نقش‌گرا / کارگردگرا)^۱ ذیل آراء مایکل

هلیدی^۱ می‌تواند مناسب پژوهش حاضر باشد. در این رویکرد ساختار زبان به نوعی با کاربرد آن ارتباط متقابل دارد و این رابطه در قالب «نقش»^۲ های زبان پیگیری می‌شود و متن با گفتمان پیرامونی و بافت موقعیتی‌ای که در آن تولید می‌شود، رابطه برقرار کرده و افاده‌ی معنا می‌کند. فرکلاف در کتاب «تحلیل کردن گفتمان» (2003) اصرار دارد که متدهای تحلیلی بر اساس روش هلیدی تعیین گردد آنچه که از آراء هلیدی در این پژوهش بیشتر به کار می‌آید، موضوع انسجام^۳ متنی است. انسجام به مناسبات معنایی اشاره دارد که در میان عناصر یک متن وجود دارد و به کلام یکپارچگی و وحدت می‌بخشد. به‌گونه‌ای که تعبیر برخی از عناصر متن امکان‌پذیر می‌شود (سارلی و ایشانی، ۱۳۹۰: ۵۵). ابزارهای متعددی وظیفه‌ی ایجاد انسجام را برعهده دارند که ابزار «ارجاع» به طور ویژه در این پژوهش مورد توجه قرار خواهد گرفت. راهکار ارجاعی یکی از روش‌های برجسته‌ساختن «خود» و به حاشیه‌راندن «دیگری» است: «ارجاع زمانی رخ می‌دهد که خواننده بخواهد هویت آنچه را که در باب آن گفت‌وگو می‌شود، به‌واسطه‌ی ارجاع به عبارت دیگری در همان بافت، بازیابی کند» (گلشایی، ۱۳۹۲: ۳۴).

همچنین به‌کارگیری بینامتنیت نیز مهم است. دلیل اهمیت تحلیل بینامتنی آن است که منابع معنامندی را بین متون و بین پراکتیس‌های مختلف جابه‌جا می‌کنند (Sheyholislami, 2008: 149). دلالت صریح و ضمنی نیز در این پژوهش کاربرد دارد. چندلر از مرتبه‌ی «دلالت صریح» یاد می‌کند که نشانه شامل دالّ و مدلول می‌شود. در مرتبه‌ی بعدی دلالتی هست که نشانه‌های (دالّ‌ها و مدلول‌های) صریح را دالّ خود در نظر می‌گیرد و یک مدلول اضافی به آن سنجاق می‌کند (Chandler, 2002: 140). سجودی می‌گوید: «دلالت ضمنی و صریح حاصل عملکرد روابط جانشینی و هم‌نشینی و تنوعات اجتماعی و فرهنگی به‌علاوه‌ی عوامل تاریخی است (سجودی، ۱۳۹۳: ۱۰۹). در این پژوهش تاکیدات مکرری هم بر مفهوم حضور و غیاب دریدایی صورت می‌گیرد. همه چیز در نزد دریدا، همچون غیاب یک حضور است. خود دریدا در کتاب «نوشتار و دیفرانس» می‌گوید: «بازی همواره بازی حضور و غیاب است و «بودن» را باید به‌مثابه‌ی حضور یا غیاب در چارچوب امکان بازی درک کرد و نه هیچ روش دیگری» (Derrida, 1978: 369).

۱ مایکل هلیدی Michael A.K. Halliday متوفی به سال ۲۰۱۸

۲ نقش یا کارکرد یا فونکسیون

3 Cohesion

۴ Jacques Derrida ژاک دریدا فیلسوف فرانسوی متوفی به سال ۲۰۰۴

د) شیوه‌ی اجرا و انجام

سطوح خرد و کلان: در سطح کلان، گفتمان‌های این پژوهش بر مبنای نظریه‌ی گفتمان لاکلاو و موفه تحلیل شده و همگرایی و واگرایی میان آن‌ها مطالعه می‌شود. در سطوح خرد نیز تحلیل متن (برآمده از بخشی از مؤلفه‌های زبان‌شناسی) انجام می‌شود، چرا که از لاکلاو و موفه دستورالعملی برای انجام تحلیل گفتمانی ارائه نشده و لازم است ضمن استخراج مؤلفه‌های این نظریه، صورت‌بندی جدیدی از آن‌ها ارائه شود (کوثری و مولایی، ۱۳۹۱: ۹۷).

به منظور انجام تحلیل، باید ابتدا فضای تنازع و فرایند غیریت‌سازی بین گفتمان‌ها شناسایی شود. سپس عواملی که منجر به ازجاشدگی و پدیداری بحران می‌شود را معرفی نموده تا زمینه برای ظهور گفتمان جدید در متن کشمکش‌های هژمونیک فراهم شود. طبعاً فضای آرمانی در قالب گفتمان نوین نیز تشریح می‌شود و مفصل‌بندی دال‌ها در گفتمان و کیفیت همنشینی نشانه‌ها در متن گفتمان مورد بررسی قرار خواهد گرفت. لذا در ترسیم سامانه‌های هر گفتمان، به میزان تکرار، وزن و جایگاه هر نشانه و کیفیت ارتباط میان آن‌ها از حیث تقویت زنجیره‌های هم‌ارزی توجه شده است. در این راستا چهار گام باید برداشته شود. ابتدا گفتمان‌هایی را که وارد پیکار گفتمانی شده‌اند به لحاظ نظام معنایی و پرکتیس‌های اجتماعی و سیاسی شناسایی نمود. سپس باید قلمروهای موضوعی و زمانی منازعات میان آن‌ها را مشخص نمود. این پژوهش به گفتمان در حوزه‌ی رسانه‌ای طی دوره‌ی زمانی که قبلاً ذکر شد پرداخته است. گام سوم اینکه تحلیل متن در دستور کار قرار گیرد. اساساً تحلیل گفتمانی در حقیقت تحلیل معناست، زیرا تشکیل معنا بهترین سازوکار اعمال قدرت بر ذهن سوژه‌ها است. و گام آخر نیز توجه به برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی حاکم بر پرکتیس‌های زبان‌شناسانه است.

در تحلیل زبان‌شناختی، سطوح واژه، جمله، ساختار متن، اصطلاحات، مجازها و استعاره‌ها در تعامل با یکدیگر دیده شده تا اصول اولیه و بافت اندیشه‌ای یک گفتمان فهم شود. در این پژوهش این مهم از طریق بررسی مؤلفه‌های زبان‌شناسی فونکسیونال خصوصاً انسجام متنی به همراه میان‌متنیت‌ها، دلالت‌های صریح و ضمنی و حضور و غیاب دریدایی صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر تحلیل سازه‌های زبانی به کمک نظریه‌ی گفتمان درمی‌آید تا تحلیل زبانی را در سطح کلان معنادارتر کند. متن به عناصر سازنده‌اش کاهیده شده و سپس در ابعاد کلان، به شکل نشانگان و دال‌های حاصل از آن، حالت انضمامی و متعین پیدا می‌کند تا امکان ارائه‌ی تحلیل فراهم آید.

ه) شناسایی گفتمان‌های متخاصم

در این پژوهش دو گفتمان مورد بررسی قرار گرفته‌اند. گفتمان اول در قالب گفتمان «رسمی/دولتی» معرفی می‌شود. در دولت حسن روحانی پرونده‌ی هسته‌ای تماماً به وزارت خارجه منتقل و از آن مجرا دنبال می‌شود لذا بازیگران اصلی آن تماماً «دولتی» و مقامات «رسمی» دولتی هستند. همچنین «دیگری» یا «غیر» این گفتمان می‌تواند در قالب باورهای اصول‌گرایی و همچنین بخش‌هایی از حاکمیت کلان کشور نظیر مجلس، احزاب، برخی نهادهای کلان خارج از دولت (نظامی و غیرنظامی) حضور داشته باشد. عنوان «محافظه‌کار» برای توصیف تمامی آن‌ها به کار می‌رود و مخرج‌مشترک همه‌ی آن‌ها صف‌آرایی در مقابل گفتمان رسمی/دولتی است.

و) نمونه‌ها و دوره‌های زمانی

این پژوهش سامانه‌ی نشانگانی هر دو گفتمان در سه مقطع شامل سال ۱۳۹۴، سال ۱۳۹۵ و دوره‌ی سال ۱۳۹۶ تا نیمه‌ی آبان ۱۳۹۷ را شناسایی و ترسیم کرده است. برای گفتمان محافظه‌کاری تعداد ۱۵۸ نمونه در سال ۱۳۹۴ و ۹۱ نمونه در سال ۱۳۹۵ و ۲۲۹ نمونه برای دوره‌ی ۱۳۹۴ تا آبان ۱۳۹۷ (جمعاً ۴۷۸ نمونه) از پنج منبع شامل خبرگزاری فارس، خبرگزاری تسنیم، روزنامه‌ی کیهان، سایت مشرق‌نیوز، سایت شخصی سعید جلیلی (به‌عنوان مهم‌ترین حامل گفتمانی هسته‌ای این طیف سیاسی) و توییت‌های^۱ منتشره در فضای توئیتر استخراج شدند. برای گفتمان رسمی/دولتی نیز ۱۲۶ نمونه در سال ۱۳۹۴ و ۶۱ نمونه در سال ۱۳۹۵ و ۲۵۰ نمونه برای دوره‌ی ۱۳۹۶ تا آبان ۱۳۹۷ (جمعاً ۴۳۷ نمونه) از پنج منبع شامل خبرگزاری ایرنا، خبرگزاری ایلنا، روزنامه‌ی شرق، روزنامه‌ی اعتماد، سایت عصر ایران و توییت‌های منتشره در توئیتر استفاده شده است. برای این سه دوره، همه‌ی خبرها، یادداشت‌ها، مصاحبه‌ها و گزارش‌های تولیدی در منابع خبرگزاری و روزنامه‌ها و سایت‌های مزبور مطالعه شد. برای توییت‌ها با توجه به تعدد و شمار زیاد آن‌ها، از روش انتخاب تصادفی بهره گرفته شده است. بقیه‌ی محتواها به لحاظ دربردارندگی و غنای محتوایی مربوطه، بررسی و نسبت به

۱ توییت یک رسانه‌ی اجتماعی است و به هیچ گفتمان خاصی تعلق ندارد. در این پژوهش، ابتدا هشتگ #برجام به جست‌وجو گذاشته شد و سپس توییت‌های حاوی این هشتگ از حیث موضع سیاسی نویسنده‌ی آن شناسایی و بر اساس روش انتخاب تصادفی نسبت به انتخاب نمونه‌ها اقدام شد.

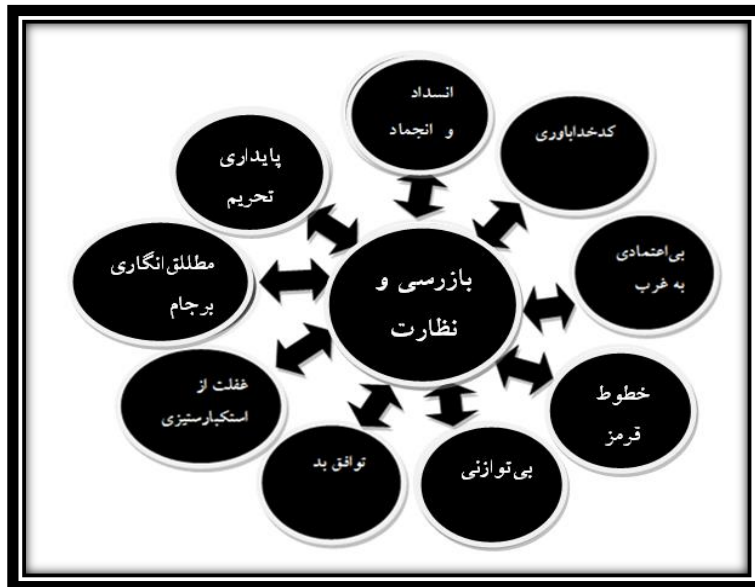
انتخاب غنی‌ترین نمونه اقدام شده که خصائص موردنظر را دارا بوده و به شکل هدفمند انتخاب شده است.

تحلیل داده‌ها

الف) منازعات گفتمانی سال ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵

الف-۱) مفصل‌بندی گفتمان محافظه‌کار

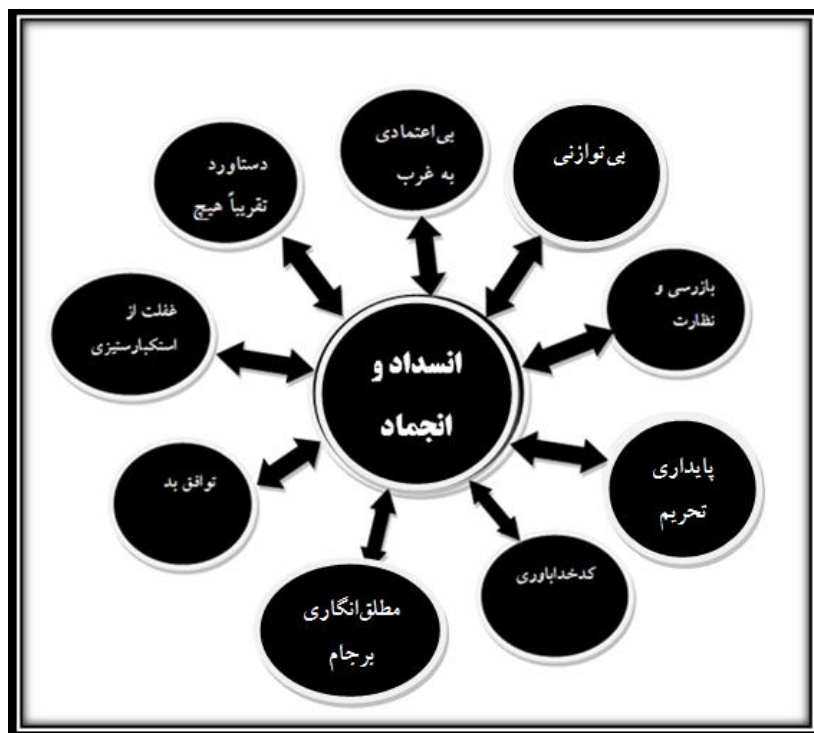
گفتمان محافظه‌کار که به واسطه‌ی انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۹۲ شکست سنگینی را تحمل کرده، تلاش دارد برجام را ذیل یک گفتمان مشخص با عناصر و دال‌های مخصوص به آن تعریف کند تا تاثیرگذاری بیشتری نسبت به گفتمان خود ایجاد کند. گفتمان رسمی/دولتی نیز یکی از گسترده‌ترین حملات گفتمانی خود را متوجه جریان پرونده‌ی هسته‌ای ذیل مدیریت گفتمان محافظه‌کاری می‌کند اما گفتمان محافظه‌کار تحرک بیشتری در مقایسه با رقیب دارد و دال‌های بیشتری را فراخوانی می‌کند (شکل ۱). در سال ۱۳۹۴ گفتمان محافظه‌کار تلاش می‌کند حول محور موضوعات فنی نظیر بازرسی‌ها و حفظ ساختار تحریم‌ها در برجام فعالیت کند. از سوی دیگر گفتمان رسمی/دولتی به دنبال ارتباط‌دادن مشکلات اقتصادی کشور به موضوع تحریم‌ها است. «در عرصه‌ی سیاست خارجی سه برنامه‌ی متمم و به‌هم وابسته از سوی روحانی ارائه شد که شامل بازسازی اقتصادی، تعیین تکلیف پرونده‌ی هسته‌ای و رفع ایزوله‌ماندن ایران در عرصه‌ی بین‌المللی بود و هر سه به موضوع هسته‌ای ارتباط پیدا می‌کرد» (Akbarzadeh and Conduit, 2016: 4) از آنجا که مشکلات اقتصادی در کانون این کشمکش‌ها قرار داشت، لذا برجسته‌سازی برجام ذیل محور شکوفایی اقتصادی از طریق حل معضل هسته‌ای و ورود سرمایه‌گذاری‌های جدید ممکن است» (Saikal, 2016: 23). وضعیت بی‌ثبات زندگی اقتصادی مردم و سیاست‌های خاص اقتصادی موجب نارضایتی طیف‌های گسترده‌ای از مردم شده بود. بنابراین طبیعی است که گفتمان رسمی/دولتی برای اقبال عمومی و در دسترس‌قراردادن خود درصدد پاسخی برای رفع معضلات اقتصادی مردم باشد.



شکل ۱ - سامانه‌ی نشانگانی گفتمان محافظه‌کار در سال ۱۳۹۴

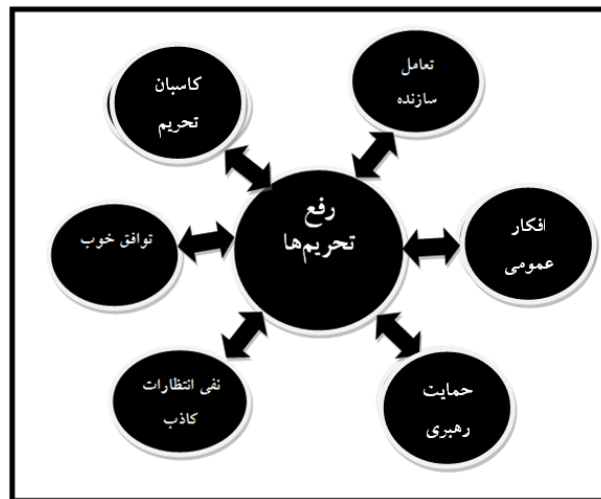
با فرارسیدن سال ۱۳۹۵ و تغییر و تحولات عدیده‌ای که بر سر راه برجام قرار می‌گیرد، گفتمان محافظه‌کار به تناسب آن‌ها تغییراتی در سامانه‌ی نشانگانی خود ایجاد می‌کند. در این سال و همراه با ظاهر شدن نشانه‌هایی مبنی بر عدم تغییر قابل توجه در شاخص‌های اقتصادی زندگی عامه‌ی مردم، دالّ مرکزی این گفتمان به «انسداد و انجماد» تغییر می‌کند معنای کلی ناظر بر این دالّ آن است که لغو تحریم‌ها تاثیر چندانی بر زندگی و معیشت مردم نخواهد داشت. این دالّ در سامانه‌ی ۱۳۹۴ نیز وجود داشت اما در سال ۱۳۹۵ به منزلت دالّ مرکزی ارتقا می‌یابد. اما از سال ۱۳۹۵ و بعد از مصاحبه‌ی دبیرکل بانک مرکزی با تلویزیون بلومبرگ و ذکر این نکته که «دستاورد برجام در بخش بانکی تقریباً هیچ بوده»، بلافاصله دال «دستاورد تقریباً هیچ» نیز اهمیت و تکرار زیادی پیدا می‌کند. به باور گفتمان محافظه‌کار، اکنون برجام تهدیدات اقتصادی و اجتماعی را برطرف نکرده است. لذا آمریکا هر تحریمی که اراده کرده را به هر بهانه‌ی ممکن اعمال نموده و هر عهده‌ی را که به آن تمایل نداشته نیز نقض کرده است. از این رو بی‌اعتمادی به غرب، بدبینی و زیاده‌خواهی آمریکا نیز به دنبال دالّ قبلی از اهمیت برخوردار می‌شود. بدیهی است در این شرایط، امکان طرح این مساله که برجام اساساً مبادله‌ی نامتوازی بوده است نیز تقویت شده و این دالّ هم ارتقاء کمی و کیفی پیدا می‌کند. در عین

حال دیگر نیازی به حضور دال «خط قرمز» وجود ندارد چرا که نمی‌توان معاهده یا توافقی که ساختار حاکمیت بر آن مهر تایید زده است، واجد خصیصه‌های عبور از خط قرمز محسوب کرد. اما همچنان موضوع بازرسی‌ها و نظارت‌ها نیز فراموش نمی‌شود. دال «پایداری تحریم» به عنوان بدیلی برای دال «رفع تحریم‌ها» در گفتمان رسمی/دولتی طراحی شده بود. اینکه عمده‌ی تحریم‌ها همچنان باقی است زیرا مذاکرات کنونی فقط حول محور رفع تحریم‌های هسته‌ای صورت گرفته و نه «رفع کل تحریم‌ها». نکته‌ی کاملاً درستی که گفتمان مقابل خواسته یا ناخواسته سعی در به‌محاق‌افکندن آن دارد. به همین ترتیب با مشخص شدن محدودیت‌ها و کارشکنی‌های آمریکا، دال کدخداباوری نیز تایید و تقویت می‌شود. کدخدا به لحاظ زبانی مجاز از آمریکا و کدخداباوری مجاز از باورمندان به اقتدار آمریکا است. منظور از فراخوانی آن، القای تسلیم در برابر آمریکا و غرب است که در گفتمان مذکور نمادی از فلسفه‌ی مقاومت محسوب می‌شود و لذا استعمال آن همانا با هدف در صحنه نگاه‌داشتن باور مقاومت است (شکل ۲)



شکل ۲- سامانه‌ی نشانگانی گفتمان محافظه‌کار در سال ۱۳۹۵

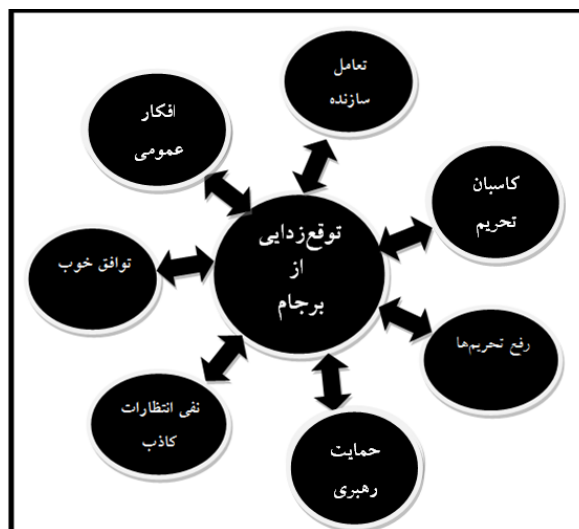
الف - ۲) مفصل‌بندی گفتمان رسمی/دولتی: به‌تدریج در سال ۱۳۹۴ و با فعالیت‌های گفتمان محافظه‌کار، نوعی از القاء انتظارات عاجل از برج‌ها در جامعه شکل می‌گیرد. با وعده‌های بی‌شمار و خصوصاً دالّ مرکزی «رفع تحریم‌ها»، انتظاراتی مبنی بر مشاهده‌ی آثار مثبت برج‌ها در ذهن سوژه‌های اجتماعی ایجاد می‌شود که خواهان تسریع در برآورده‌سازی توقعات اقتصادی و گشایش در امور روزانه‌ی خود هستند. گفتمان رسمی/دولتی که خودش مذاکرات را پیش برده، بهتر از دیگران می‌داند که در این توافق، صرفاً تحریم‌های هسته‌ای مرتفع شده و سایر تحریم‌ها همچنان باقی هستند. اما چنین موضوعی را در سال ۱۳۹۴ به صراحت اعلام نکرده و همچنان وعده‌ی گشایش در امور می‌دهد. حاملان اصلی این گفتمان با حمایت رسانه‌های هوادار در اواخر سال ۱۳۹۴ صحبت از «برج‌ها ۲» و برج‌های بعدی کرده و این سیگنال را می‌دهند که انتظار دارند که با فرمول برج‌ها بتوانند سراغ سایر تحریم‌ها رفته و آن‌ها را نیز مرتفع سازند تا گشایش واقعی ایجاد شود. اما با چراغ قرمز حاکمیت مواجه شده و ناچار به همین برج‌ها بسنده می‌کنند. به همین خاطر با فهم شرایط از اواخر سال ۱۳۹۴ به صورت نامحسوس و در حاشیه‌ی نفی انتظارات کاذب از برج‌ها برمی‌آیند. در سال ۱۳۹۵ هرچند این دالّ پررنگ‌تر می‌شود اما گفتمان مذکور تلاش می‌کند این واقعیت را از طریق دالّ‌های دیگری مطرح کند (شکل ۳)



شکل ۳ - سامانه‌ی نشانگانی گفتمان رسمی/دولتی در سال ۱۳۹۴

همانند گفتمان محافظه‌کار، سال ۱۳۹۵ برای گفتمان رسمی/دولتی به لحاظ تحولات عمومی، سال متفاوتی بود. در پاییز این سال ترامپ در انتخابات پیروز شد. او اعلام کرد در صورت رسیدن

به قدرت، این توافق را ملغی می‌کند. همچنین با وجود اجرای برجام، اما تحول وعده‌داده‌شده در اوضاع اقتصادی مردم ایجاد نشده بود. گفتمان محافظه‌کار نیز از این موضوع به خوبی آگاه است و به طور مداوم بر طبل انتظارات از برجام می‌کوبد. لذا گفتمان رسمی/دولتی تصمیم گرفت دال مرکزی خود را در نظام معناشناختی تغییر داده و به «توقع‌زدایی از برجام» روی آورد. این دال مرکزی در طول سال ۱۳۹۵ سایر دال‌ها را به شکل‌های مختلف حول خود تثبیت نسبی کرده است. رسانه‌های هوادار این گفتمان در اوایل سال ۱۳۹۵ ناچار از اعتراف به این موضوع هستند که برجام فقط درها را باز کرده است و هیچ کاری برای تحریم‌های غیرهسته‌ای نمی‌تواند انجام دهد. دلالت ضمنی این جمله این است که برجام برای حل مشکلات کشور، شرط لازم است و نه کافی. این دال در تقابل با دال مرکزی گفتمان رقیب طراحی و به آرامی منزلت مرکزی پیدا می‌کند. اما این توقع‌زدایی از نظر گفتمان رسمی/دولتی در ابتدا سوبه‌های ایجابی دارد و نه سلبی. راهبرد رسانه‌ای گفتمان رسمی/دولتی آن است که معناهای صریح و ضمنی آن را به مرور زمان بازنمایی کند و در ابتدای سال بحث بر سر این است که نباید انتظار آثار کوتاه‌مدت از برجام داشته باشیم. بعدها با گذشت زمان و در نیمه‌ی دوم سال و خصوصاً به‌قدرت‌رسیدن ترامپ، طبعاً این توقع‌زدایی سرعت بیشتری به خود گرفت و بحث بر سر این است که اساساً توقعی نبوده که برجام بخواهد اقتصاد ایران را شکوفا کند.



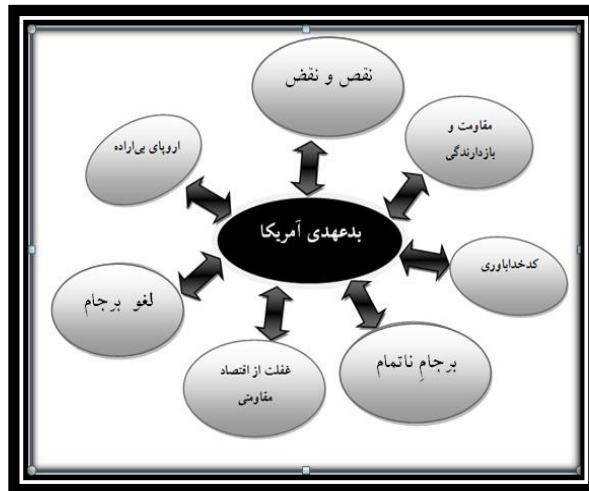
شکل ۴- سامانه‌ی نشانگانی گفتمان رسمی/دولتی در سال ۱۳۹۵

در عین حال اگر قرار باشد برجام در معرض تهدید قرار گیرد، طبعاً باید این مشکل به گردن رقیب بیفتد. به همین خاطر دالّ «کاسبان تحریم» نیز جایگاه خود را در سامانه‌ی نشانگانی حفظ کرده است (شکل ۴). در سال ۱۳۹۵ و هنگامی که آمریکا در اجرای برجام کارشکنی کرده و در حالی که گفتمان رسمی/دولتی تلاش دارد دالّ مرکزی توقع‌زدایی از برجام را به پیش ببرد، به طور همزمان انتقاداتی در راستای القای انتظارات عاجل و کاذب از برجام مطرح می‌سازد. حال آنکه گفتمان رقیب به دنبال القاء این انتظار عمومی است که مشکلات اقتصادی باید به سرعت مرتفع شده، ارزانی فراگیر شده و معیشت مردم بهبود یابد. به نظر می‌رسد گفتمان رسمی/دولتی تحرکی همسنگ گفتمان رقیب ندارد و لذا برخی دالّ‌های فاقد موضوعیت را همچنان در صحنه نگاه داشته که ناشی از ضعف بازیگران رسانه‌ای در عرصه‌ی گفتمانی است.

ب) پیکارهای گفتمانی در سال ۱۳۹۶ تا نیمه‌ی آبان ۱۳۹۷

ب-۱) مفصل‌بندی گفتمان محافظه‌کار

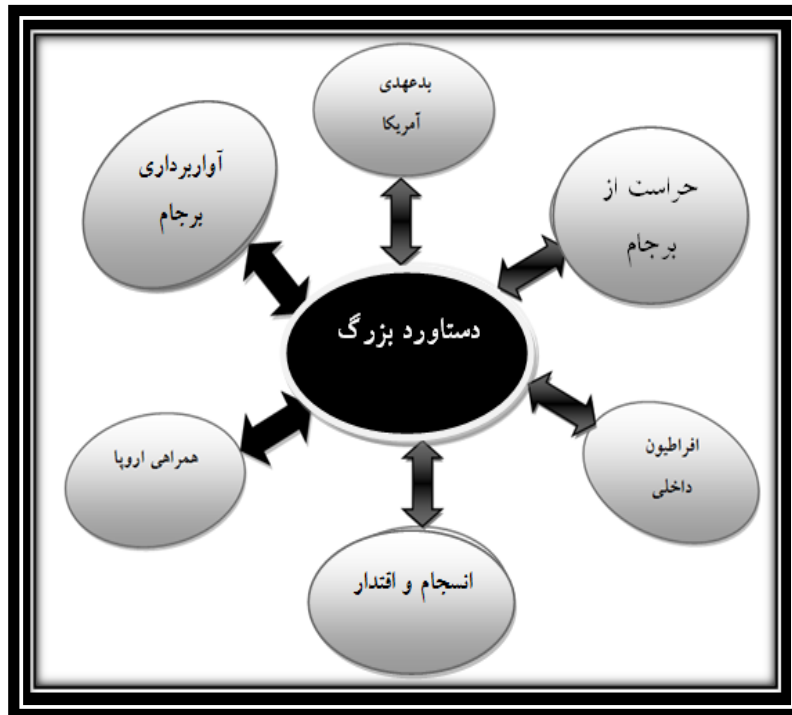
در طول این بازه‌ی زمانی، مصادیق عمده و متعددی برای دالّ «بدعهدی آمریکا» ارائه شده که آن را به منزلت دال مرکزی می‌رساند. همچنین یکی از محورهای اصلی گفتمان رسانه‌ای محافظه‌کاران، انتقاد از وضعیت رفع تحریم‌ها است و لذا دال «نقص و نقض» در راستای القای ناتوانی برجام در حل مشکلات کشور برجسته می‌شود. در وضعیتی که تحریم‌های جدیدی به طور مستمر به جمع تحریم‌های قبلی اضافه می‌شود، این دالّ اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. همچنین این گفتمان از ابتدای امضا و تصویب و اجرای برجام همواره آن رایک «توافق بد» ارزیابی و معرفی کرده فلذا طبیعی خواهد بود که خواستار لغو آن باشد. در عین حال «برجام ناتمام» قرار است وجوه ممیزه ناظر بر محقق‌نشدن توقعات برجامی باشد و «نقص و نقض» نیز نمایانگر انتقاد از وضعیت رفع تحریم‌ها است (شکل ۵)



شکل ۵ - مفصل بندی گفتمان محافظه کاری در سال های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷

ب-۲) مفصل بندی گفتمان رسمی/دولتی

گفتمان رسمی/دولتی که پیروز رقابت‌های ریاست جمهوری ۱۳۹۶ شده، جان تازه‌ای گرفته و مجدداً برجام را به عنوان بزرگ‌ترین دستاورد خود برجسته می‌سازد. بدین صورت که ترکیبی از دلالت‌های دو دالّ مرکزی پیشین را به خدمت نشانگان خود درمی‌آورد. اما توامان درجاتی از توقع‌زدایی در بازنمایی این دالّ را به خدمت می‌گیرد و دالّ «آواربرداری از برجام» را به میدان می‌آورد با این تاکید که اقتصاد کشور مشکلات ساختاری فراوانی از دوره‌های قبلی دارد و برجام فقط مجال آواربرداری را فراهم کرده و نباید توقع داشت همه‌ی مشکلات را مرتفع سازد. سویی‌دی دیگر این است که مشکلات مذکور مرتبط با برجام نیست و به‌عوامل دیگری خارج از حیطه‌ی نفوذ و اقتدار و عمل گفتمان رسمی/دولتی ربط دارد. برای اولین بار در دوره‌ی مورد مطالعه، مشاهده می‌شود که هر دو گفتمان، نشانه‌ی مشابهی را وارد سامانه‌ی گفتمانی خود می‌کنند. دالّ «بدعهدی آمریکا» هرچند برای گفتمان محافظه‌کار وجهه‌ی ایدئولوژیک دارد اما گفتمان رسمی/دولتی آن را در تایید و تقویت دالّ مرکزی خود به خدمت می‌گیرد و نگاه صرفاً فنی به آن دارد. در عین حال همه‌ی اعتبار گفتمان رسمی/دولتی به برجام گره خورده و طبیعی است که خواستار حفظ، استمرار و بقای آن باشد. این دالّ در برابر دالّ «لغو برجام» در گفتمان رقیب بر ساخته شده و لذا حضوری تقریباً همیشگی دارد. بدین ترتیب سامانه‌ی نشانگانی گفتمان رسمی/دولتی را می‌توان در شکل ۶ ارائه کرد.



شکل ۶ - مفصل‌بندی گفتمان رسمی/دولتی در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷

بحث و نتیجه‌گیری

الف (خوشه‌های نشانه‌ها و نظام‌های معنایی

الف - ۱) سطح کلان تحلیل گفتمان

هر دو گفتمان چشم به دال‌های تهی دارند. لاکلائو در کتاب «رهایی‌بخش‌ها» می‌گوید که دال‌های تهی غایب هستند و بازنمایی از وضع آرمانی و مطلوب را برعهده دارند» (Laclau, 1996: 42). بی‌قرارشدن گفتمان‌ها باید از طریق این دال‌ها بازنمایی شوند گفتمان رسمی/دولتی دال‌های تهی نظیر تعامل سازنده با دنیا و یا رانت و فساد و سوءمدیریت (کاسبان تحریم) را بازیابی کرده و معنای جدیدی را در قالب مدلول‌ها و مصادیق جدید به آن‌ها الصاق می‌کند. این دال‌ها ضمن اینکه مصادره شدند، به وقته تبدیل شده و به استخدام سامانه‌ی نشانگانی درآمدند. دال مرکزی «رفع تحریم‌ها» در کنار دال‌های دیگر از جمله دال‌های تهی بودند که در دولت قبل از آن وجود داشته و بعد از پیروزی در انتخابات مجدداً در سامانه‌ی نشانگانی گفتمان مزبور به خدمت گرفته می‌شود. از سوی دیگر این گفتمان با دال «کاسبان

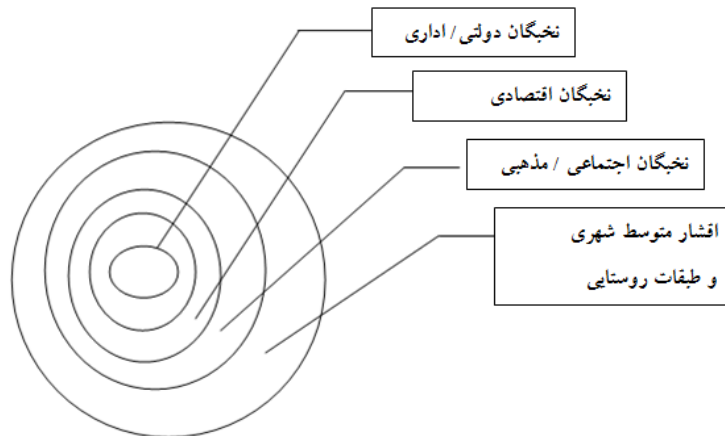
تحریم» عملاً حوزه‌ای را وارد نظام معنایی و گفتمانی خود می‌کند که در حوزه‌ی گفتمان‌گونگی رقیب (یعنی محافظه‌کاری) نوعی بی‌قراری و ازجاشدگی^۱ ایجاد کرده است. گفتمان محافظه‌کار دال مرکزی «انسداد و انجماد» را به میدان مبارزه می‌آورد در عین حال گفتمان رسمی/دولتی نیز به دال مرکزی توقع‌زدایی از برجام روی می‌آورد تا دال مرکزی رقیب را از هژمونی دور کند. به طور مشابه وقتی «نفی انتظارات کاذب از برجام» در برابر وقتی «دست‌آورد تقریباً هیچ» تمهید می‌شود. در سال ۱۳۹۵ با به‌قدرت‌رسیدن ترامپ، شدت حملات محافظه‌کاران بیشتر می‌شود. گفتمان رسمی/دولتی همچنان وقتی رفع تحریم‌ها و تعامل سازنده و توافق خوب را در صحنه‌ی گفتمانی برجسته‌سازی کرده و در عین حال به این نتیجه می‌رسد که باید انتظارات عمومی از برجام را محدود نماید. وقتی رفع تحریم‌ها قرار است وقتی پایداری تحریم را بی‌قرار کند. گفتمان محافظه‌گرایی اما در رویکرد مشخص‌تر و فعال‌تر خود، به سراغ حوزه‌ی گفتمان‌گونگی رقیب رفت و دال مرکزی خود برای سال ۱۳۹۵ را از آنجا برداشت. سپس آن را واسازی نمود و به‌گونه‌ای بازطراحی کرد که بتواند دال‌ها و انتساب آن‌ها به مدلول‌ها و مصادیق مربوطه را در راستای ازجاشدگی و به‌حاشیه‌راندن «غیر»های گفتمانی در دستور کار قرار دهد. هنگامی که معنای موجود در دال «انسداد و انجماد» تثبیت شود، طبعاً برخی دال‌ها در نظام گفتمانی صرفاً نقش برجسته‌سازی معنای موردنظر و حاشیه‌راندن معنای بدیل را برعهده می‌گیرند که همگی در خدمت دال مرکزی هستند. برای مثال دال «مطلق‌انگاری» که ناظر بر گره‌زدن همه چیز به مذاکرات است وقتی در ارتباط با دال مرکزی قرار می‌گیرد، در سال ۱۳۹۴ معنای غفلت از اقتصاد مقاومتی را برجسته کرده حال آنکه در سال ۱۳۹۵ عمدتاً معنای سوءمدیریت دولتی در اداره‌ی امور کشور را برجسته ساخته و دال مشابهی در گفتمان رسمی/دولتی را به حاشیه می‌برد (شکل ۲)

در سال ۱۳۹۶ میدان منازعات همراه با استفاده از برخی وقتی‌های گفتمانی سال‌های قبل است و در عین حال دال‌های شناور به خدمت درمی‌آیند. این نکته‌ی مهمی است چرا که «گفتمان‌ها عملاً دال‌های شناور عرصه‌ی اجتماع را به‌مثابه‌ی قطعات پازل کنار یکدیگر و در راستای ارائه‌ی تصویری همه‌فهم و همه‌پسند از نظام سیاسی/اجتماعی خود می‌چینند» (مقدمی، ۱۳۹۰: ۹۹). موضوع حمایت‌ها از برجام بهترین مثال است. گفتمان محافظه‌کار با انتشار گسترده‌ی اخبار مربوط به حمایت‌های شخصیت‌ها و افراد و گروه‌های خارجی (و حتی

حمایت چند مقام اسرائیلی) به دنبال القای این است که برجام برای بیگانگان منفعت بسیار داشته و اکنون خواستار بقای آن هستند. اما گفتمان رسمی/دولتی با انتشار همین خبرها به دنبال اثبات کارآمدی برجام بوده و اینکه هیچ آلترناتیو دیگری در برابر برجام وجود ندارد. در عین حال گفتمان رسمی/دولتی همچنان چشم امید به حوزه‌ی گفتمان‌گونی دارد. لذا وقته‌ی «کاسیان تحریم» را از سامانه‌ی گفتمانی سال‌های قبل خود برداشته و ضمن بازتعریف، مجدداً از آن با عنوان «افراطیون داخلی» استفاده می‌کند. این دالّ در حوزه‌ی گفتمان‌گونی رقیب، عامل «زجاشدگی» بوده و گفتمان رسمی/دولتی همچنان می‌خواهد این ازجاشدگی را فعال نگاه دارد. سؤال این است که چرا گفتمان محافظه‌کار تصمیم گرفته دالّ مرکزی خود را با صبغهی ایدئولوژیک وارد کارزار کند؟ یک پاسخ می‌تواند این باشد که «ایدئولوژی نه به عنوان ایده‌ی جهان‌شمول و حقیقت‌محور، بلکه به عنوان ابزاری که به واسطه‌ی آن، گروه‌های سیاسی عناصر خاص خود را در درون یک گفتمان خاص هژمونیک می‌سازند و یا مفصل‌بندی می‌کنند، در نظر گرفته می‌شود» (تاجیک، ۱۳۸۳: ۳۴).

الف - ۲) منطق و زنجیره‌های هم‌ارزی و تفاوت

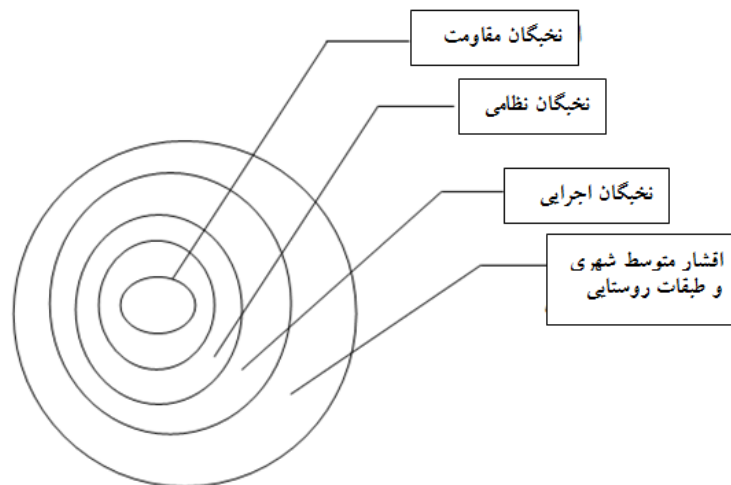
لاکلائو معتقد است منطق هم‌ارزی به دنبال تقسیم فضای اجتماعی با متراکم کردن معنا حول دو اردوگاه متخاصم است و پروسه‌ی مبتنی بر منطق تفاوت در پی تضعیف و جابجا کردن مرز قاطع قطب‌های آنتاگونیستی است (Laclau, 2005: 77-78). گفتمان‌ها پیوسته در تلاش هستند تا تفاوت‌های موجود را پنهان کرده و جامعه را به نفع خود یکدست نشان دهند (سلطانی و تفرشی، ۱۳۹۴: ۱۳۶) تورفینگ می‌گوید: «توسعه‌ی زنجیره‌های هم‌ارزی ارتباط مستقیمی با «بیرون‌سازنده» دارد (Torfin, 1999: 97). لذا گفتمان محافظه‌کار قصد دارد از همین ناحیه نسبت به بی‌قراری گفتمان مقابل اقدام نماید. گفتمان رقیب نیز با درک این وضعیت، ترجیح داده توقع‌زدایی از برجام را در دستور کار قرار دهد تا از بی‌قراری خود جلوگیری کند.



شکل ۷ - زنجیره‌ی هم‌ارزی و جوامع هدف در گفتمان رسمی/دولتی

گفتمان رسمی/دولتی، نخبگان درحاشیه (که در دولت قبلی از مناصب خود عزل شده بودند) را مجدداً وارد نظام تصمیم‌گیری دولتی می‌کند. در مرحله‌ی بعد، الیت‌های اقتصادی قرار دارند تا در سایه‌ی برجام و رفع تحریم‌ها به امر تولید و سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال بپردازند. در کنار آن‌ها به‌واسطه‌ی حمایت‌های مردمی از این گفتمان، طبعاً الیت‌های اجتماعی و مذهبی (هنرمندان، روزنامه‌نگاران، اهالی قلم و سینما، نظریه‌پردازان اجتماعی، چهره‌های پوپولار مردمی و برخی از مراجع تقلید) نیز به حمایت از چرخه‌ی هم‌ارزی گفتمان مزبور کمک می‌کنند. جالب آنکه گفتمان محافظه‌کار که صبغه‌ی مذهبی غلیظ‌تری دارد، توجهی به الیت‌های مذهبی ندارد و لذا گفتمان رقیب توانسته آن‌ها را به نفع خود در زنجیره‌ی هم‌ارزی به کار گیرد. قشر متوسط شهری و اقشار پایین‌دست نیز در سلسله‌مراتب این زنجیره وجود دارند. زنجیره‌ی هم‌ارزی در گفتمان محافظه‌کار (شکل ۸) مبتنی بر معیشت و گشایش است و لذا حلقه‌ی اول آن معطوف به طبقات آسیب‌پذیر خواهد بود. در اینجا منطبق تفاوت، سوبه‌ای سلبی پیدا می‌کند؛ هرچند گفتمان محافظه‌کار اساساً علاقه‌ی بیشتری به طراحی منطبق تفاوت دارد. الیت‌های مقاومتی همان‌هایی هستند که در طول دوران تحریم موفق به طراحی روش‌های مقاومت در برابر غرب شده‌اند. الیت‌های نظامی با محوریت سپاه نیز سیاست‌های راهبردی و نظامی و امنیتی را در راستای تقابل بازدارنده طراحی و اجرا کرده‌اند. نخبگان اجرایی نیز بازوان اجرایی مقاومت و دوزدن تحریم‌ها و بی‌اثر کردن آنها هستند. عامه‌ی مردم

نیز از طبقات مختلف در این زنجیره حضور دارند. آنچه که زنجیره‌ی هم‌ارزی فوق را تقویت می‌کند، دمیدن در تنور معرفی و عینی‌سازی دستاوردهای برجام است.



شکل ۸ - زنجیره‌ی هم‌ارزی و جوامع هدف در گفتمان محافظه‌کار

گفتمان محافظه‌کار از حمایت تمام و کمال و همه‌جانبه‌ی رسانه‌های وابسته به خود برخوردار است. اما رسانه‌های وابسته به گفتمان رسمی/دولتی در چندین مورد از نمونه‌های این مطالعه، نقدهایی به دولت داشته‌اند. محور اصلی معطوف به اقتصاد است. به باور آن‌ها سوءمدیریت، سکوت و انفعال دولت، ضعف سکان‌داری در سیستم اقتصادی دولت، مدیریت ابعاد نظارتی در حوزه‌ی اقتصاد قابل‌قبول نیست. بدین ترتیب زنجیره‌ی هم‌ارزی که قرار بوده کلیت گفتمان رسمی/دولتی را در برابر یک غیر خارجی (یعنی گفتمان رقیب) متحد کند، در اینجا دچار گسست می‌شود که باید آن را یکی از نقاط ضعف گفتمان مذکور تلقی کرد.

ب) سطح خرد صورت‌بندی‌های کلامی و زبانی؛

ب-۱) فرآیندهای برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی دو گفتمان در عرصه‌ی زبان

راهکار ارجاعی در زبان به عنوان یکی از محورهای برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی عمل کرده است. بدین معنا که از مقوله‌های «خود» و «دیگری» اقدام به بازنمایی‌های مثبت و منفی شده و یک تقابل «ما/آن‌ها» با هدف برساخت «دیگری» جهت مشروعیت‌زدایی از آن در دستور کار قرار گیرد. همین اقدام در راستای برساخت «خود» مشروع نیز کاربرد دارد. این ارجاعات ناظر بر

یک سری ارجاعات ارزش‌گذارانه و الصاق ویژگی‌های خاص به آن‌ها است. در بررسی متون گفتمان محافظه‌کاری، عمده‌ی راهکارهای ارجاعی به شرح جدول ۱ است. استفاده‌ی گسترده از بینامتنیت‌های ارزش‌گذارانه نظیر مذهبی (قرآن و کربلا و عاشورا و صدر اسلام) در کنار مؤلفه‌های ملی و میهنی (دفاع مقدس) و ایدئولوژیک (امام و رهبری) در برابر بینامتنیت‌های دارای ارزش منفی نیز تلاش در راستای بازنمایی منفی «گفتمان غیر» است. به طور کاملاً مشخص، ارجاعات در بخش‌های ملی و عام با یکدیگر قابل ترکیب است تا انتقاد از برجام در قالب یک وظیفه، خواست و اراده‌ی ملی نشان داده شود.

جدول ۱ - ارجاعات زبانی در گفتمان محافظه‌کار

آن‌ها (دیگری)	ما (خود)	مقوله
مصادیق	مصادیق	مقوله
نظریه‌پردازان لیبرالی، بدخواهان، عناصر کم‌ظرفیت، سازشکار با استکبار، مصلحت‌اندیش صلح‌طلب، رفرمیست، تجدیدنظر طلبان (هم‌آیی با غرب)، سیاست‌زده	نیروهای مؤمن، خط اصلی نظام، دولت اسلامی ایران، ملت و نظام (هم‌آیی)، انقلاب، ملت عاشورایی، ایران اسلامی، نیروهای ارزشی انقلاب، نظام ایران، انقلابی	ایدئولوژی
---	مردم ایران، جامعه‌ی ایرانی، ملت بزرگ ایران، ایرانی‌ها، جامعه‌ی ایرانی، ملت ایران، مردم کشورمان، جامعه‌ی ایرانی، مردم ما	ملت
مسئولان کشور، دولتی‌ها، کارگزاران دولتی، دولت، محافظ نزدیک به دولت، برخی مسئولان اجرایی، تیم مذاکره‌کننده، دولتمردان، روحانی و تیمش، دولت روحانی، اصلاح‌طلبان	منتقدان دلسوز، خیرخواهان	سیاست
عده‌ای، افراد و جریان‌های خاص، رسانه‌های زنجیره‌ای، آقایان	ما، مردم عادی، اقشار مختلف مردم	ما
ایوموسی اشعری، فتنه‌گر آمریکایی اسرائیلی، معاویه و عمروعاص‌های معاصر	صدر اسلام، دفاع مقدس، کربلا و عاشورا، مقام معظم رهبری، اندیشه‌ی امام، قرآنی، شهدای هسته‌ای	تاریخ و فرهنگ

در عین حال گفتمان رسمی/دولتی در فرآیند حاشیه‌رانی خود، چشم به تعابیر سیاسی دارد اما همچنان مانند گفتمان مقابل، از دگرسازی ایدئولوژیک غافل نبوده است. گفتمان مزبور بیش از آنکه بر بازنمایی مثبت خود تکیه کند، معطوف بر بازنمایی منفی از «غیر» است. به همین

خاطر در بخش ارجاعات ایدئولوژیک و سیاسی فعال تر بوده و ویژگی‌های مشخصی را به گفتمان مقابلش الصاق می‌کند (جدول ۲) ولی در مقایسه با گفتمان رقیب در بازنمایی مثبت در بخش ایدئولوژیک، کمرنگ‌تر عمل می‌کند. به طور متقابل ارجاعات گفتمان محافظه‌کاری دارای سویه‌های ارزش‌گذارانه است. برای مثال برای اشاره به کشور ایران. هرگاه قرار است به جلوه‌هایی از قدرت و توان و اقتدار اشاره گردد، از عنوان «جمهوری اسلامی ایران» و «نظام اسلامی» استفاده می‌شود و هرگاه به محدودیت‌ها یا نقایص و ایرادات اشاره می‌شود، واژه‌هایی از جنس «دولت روحانی»، «تیم هسته‌ای»، «دولت» به کار می‌رود

جدول ۲- برخی از مصادیق در ارجاعات زبانی در متون رسانه‌ای گفتمان رسمی/دولتی

سال‌های ۱۳۹۴ لغایت ۱۳۹۷

مقوله	ما (خود)	آن‌ها (دیگری)
ایدئولوژیک	مصادیق سرداران هسته‌ای، دوری از افراط و تفریط، حمایت رهبری	مصادیق فشار سازمان‌یافته، ناهنجاری‌های اجتماعی، پوپولیسم تبلیغاتی، دلوپسان، افراطی، ماجراجو، بداخلاقان، تندرو
ملی	این ملت، ملت ایران، مردم، مردم امیدوار و خوشحال از رفع تحریم، اکثریت قاطع مردم، مردم ما، صدای مردم	فاقد پشتوانه و پایگاه مردمی، دزدان بیت‌المال، پایگاه ۸ درصدی
سیاسی	دیپلمات‌های متخصص، دولت تدبیر و امید، خواهان شفافیت، میانه‌رو، مذاکره‌کننده‌ی حرفه‌ای، دولت اصلاحات، مقابله و مبارزه با فساد سیستماتیک، اندیشه و تدبیر	دارای انگیزه‌های جناحی و گروهی، تندروهای جناح راست، کارشکنان دولت، گروه اقلیت، حاشیه‌ساز، امنیتی‌های بی‌تخصص در دیپلماسی، دولت نهم و دهم، کاسب تحریم، رانت‌خوار، دلال تحریم، احمدی‌نژادی، تیم سابق مذاکره‌کننده، دولت پیشین، مخالف‌خوان، سیاسی‌کار
عام	ما، بسیاری از صاحب‌نظران، دانشگاهیان، طبقه‌ی متوسط، جوانان، فرهیختگان، افکار عمومی، امیدوار، منطقی	نامیدی، برخی، عده‌ای، سال‌های گذشته
کاربردی تبلیغاتی	دفاع مقدس، شهدا، رهبری، شهدای هسته‌ای	---

نتیجه‌گیری

این مقاله برای فهم همگرایی‌ها و واگرایی‌های رسانه‌ای پیرامون برجام، باید معنا و تحولات معنایی منتسب به آن را در لایه‌های عمیق‌تری به نام گفتمان و نظام‌های معنایی جست‌وجو نماید. مؤلفه‌های گفتمان رسانه‌ای دو گفتمان اصلی کشور به نام‌های رسمی/دولتی و محافظه‌کاری در دوره‌ی زمانی از ابتدای ۱۳۹۴ لغایت مقطع آغاز تحریم‌های جدید بعد از خروج آمریکا از برجام در اواسط آبان ماه ۱۳۹۷ بررسی و نظم گفتمانی موجود در این دو گفتمان از حیث چگونگی تثبیت نظام معنایی خود و رسیدن به موقعیت هژمونیک شناسایی شد. پیکار گفتمانی، مکان برخورد دو حوزه‌ی اجتماعی و سیاسی است که از سوی کارگزاران سیاسی در رسانه‌ها و در بستری از جنس زبانی-گفتمانی رخ می‌دهد. این مقاله به دنبال فهم چگونگی بازنمایی مرزهای هویتی «خود» با «دیگری» در نزد دو گفتمان اصلی سیاسی کشور است. اینکه مفصل‌بندی هرکدام از دو گفتمان در متون رسانه‌ای به چه صورتی بازنمود داشته و بافتار معنایی این گفتمان‌ها و مقوله‌های چهارگانه‌ی مترتب بر آن‌ها (مشمتمل بر ایدئولوژیک، ملی، سیاسی و عام) در چه قالب‌هایی و با توسل به کدام ابزارها امکان برجسته‌سازی خود و به حاشیه‌راندن دیگری را میسر ساخته است.

بدین منظور تحلیل سازه‌های زبانی به کمک نظریه‌ی گفتمان درمی‌آید تا تحلیل زبانی را در سطح کلان معنادارتر کند. این پژوهش با فراهم‌آوردن چارچوبی نظری بر اساس نظریه گفتمان لاکلاو و موفه، در کنار استفاده از ابزارهای زبان‌شناسی فونکسیونال در کنار مؤلفه‌هایی نظیر دلالت‌ها، حضور و غیاب، واگرایی‌ها و همگرایی‌های گفتمان‌های مرتبط با برجام در قالب دو گفتمان «رسمی/دولتی» و «محافظه‌کار» و رقابت‌های هژمونیک میان آن‌ها را مشخص و سامانه‌ی نشانگی آن‌ها را در دوره‌های مورد بررسی تدوین کرده است. همچنین شیوه‌های برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی از طریق سازوکارهای زبانی نیز مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج بررسی‌ها حاکی است گفتمان رسمی/دولتی برای به‌چالش‌کشیدن هژمونی گفتمان رقیب، عناصر و دال‌های تهی موجود در حوزه‌ی گفتمان‌گونی آن را شکار کرده است. در مقابل اما گفتمان محافظه‌کار از همان ابتدای سال ۱۳۹۴ رویکرد کنش‌گرایانه‌ی فعال دارد و وقته‌های ایدئولوژیک را نیز به خدمت خود درمی‌آورد. اما در سال ۱۳۹۵ و با هویداشدن نقاط ضعف برجام، هر دو طرف دست به تغییر آرایش گفتمانی خود زدند. گفتمان رسمی/دولتی وقته‌ی رفع تحریم‌ها و تعامل سازنده و توافق خوب را در صحنه‌ی گفتمانی برجسته‌سازی کرده و در

عین حال به این نتیجه می‌رسد که باید انتظارات عمومی از برج‌ها را محدود نماید. گفتمان محافظه‌گرایی اما به سراغ حوزه‌ی گفتمان‌گونگی رقیب رفت و دالّ مرکزی خود برای سال ۱۳۹۵ را از آنجا برداشت. سپس آن را واسازی نمود و به خدمت گرفت. اما در دوره‌ی سوم این پژوهش، گفتمان محافظه‌کاری در مفصل‌بندی خود به دالّ تهی موجود در گفتمان رقیب توجه دارد. در سازوکار برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی در عرصه‌ی زبان، مقوله‌های «خود» و «دیگری» اقدام به بازنمایی‌های مثبت و منفی کرده‌اند. شیوه‌ی اصلی در قالب راهکارهای ارجاعی ناظر بر یک سری ارجاعات ارزش‌گذارانه و الصاق ویژگی‌های خاص به آن‌ها است. چهار مقوله‌ی «ایدئولوژیک»، «ملی»، «سیاسی» و «عام» شناسایی شد که هر گفتمان، راهبرد خاص خود را در ارجاع به واحدهای زبانی متعلق به آن‌ها دارد. گفتمان رسمی/دولتی از طریق ارجاعات ایدئولوژیک و سیاسی تلاش دارد گروه‌بندی «ما / آن‌ها» را همچنان پرننگ نگاه دارد و گفتمان محافظه‌کار اما به لحاظ محتوایی به دنبال بازنمایی یک تقابل دوقطبی و خوب و بد است و «خود» را به مؤلفه‌های ملی نزدیک کرده است.

منابع

- امینی، سعیده. (۱۳۹۰). تحول گفتمان مجمع روحانیون مبارز و عوامل مربوطه با تاکید بر دو دهه از ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۸. *رساله‌ی دکتری* رشته‌ی جامعه‌شناسی سیاسی، به راهنمایی دکتر محمدحسین پناهی. دانشگاه علامه طباطبایی، شهریور ماه
- امینی، یوسف. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی گفتمان‌های توسعه اقتصادی و عوامل مؤثر بر آن در دولت‌های پس از انقلاب. *رساله‌ی دکتری* رشته‌ی جامعه‌شناسی و توسعه، به راهنمایی دکتر حسین ابوالحسن تنهایی. دانشگاه آزاد تهران واحد تهران مرکزی، بهمن ماه
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۳). *گفتمان، پادگفتمان و سیاست*، تهران: موسسه‌ی تحقیقات و توسعه‌ی علوم انسانی
- جمشیدی، سجاد. (۱۳۹۱). تبیین مبانی گفتمان‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا و تاثیر آن بر احزاب جبهه‌ی دوم خرداد و پیروان خط امام و رهبری. *رساله‌ی دکتری* رشته‌ی علوم سیاسی، به راهنمایی دکتر حسین هرسیج. دانشگاه اصفهان، اسفند ماه
- داوودی، علی‌اصغر. (۱۳۸۹). «نظریه‌ی گفتمان و علوم سیاسی». *فصلنامه‌ی مطالعات سیاسی*. تابستان ۱۳۸۹، سال دوم شماره‌ی ۸، صص ۷۴-۵۱
- دهقانی‌فیروزآبادی، سیدجلال؛ عطایی، مهدی. (۱۳۹۵). *گفتمان‌های هسته‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- رضاپور قوشچی، محمد؛ مقصودی، مجتبی. (۱۳۹۷). «امکان یا امتناع مصالحه در فرهنگ سیاسی و گفتمان‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه‌ی انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*. زمستان ۱۳۹۷، دوره‌ی ۴. شماره ۵۳، صص ۷۲-۴۱
- رضایی‌پناه، امیر و شوکتی‌مقرب، سمیه. (۱۳۹۴). *هویت، گفتمان و انتخابات در ایران*، تهران: نشر نویسه پارسی
- سارلی، ناصر قلی و ایشانی، طاهره. (۱۳۹۰). «نظریه‌ی انسجام و هماهنگی انسجامی و کاربست آن در یک داستان کمینه فارسی». *دو فصلنامه علمی پژوهشی زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء*. بهار و تابستان ۱۳۹۰، سال دوم، شماره‌ی ۴، صص ۷۷-۵۱
- سجودی، فرزاد. (۱۳۹۳). *نشانه‌شناسی کاربردی*. چاپ سوم، تهران: نشر علم
- سلطانی، سیدعلی‌اصغر. (۱۳۸۴). *قدرت گفتمان و زبان، سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*. چاپ پنجم، تهران: نشر نی

- سلطانی، سید علی‌اصغر؛ تفرشی، امیرعلی. (۱۳۹۴). «تحلیل گفتمان برنامه‌های تولیدی شبکه من و تو». **فصلنامه‌ی مطالعات رسانه‌های نوین**. پاییز ۱۳۹۴، دوره‌ی ۱. شماره‌ی ۳، صص ۱۶۴-۱۲۵
- صفری شالی، رضا. (۱۳۹۲). بررسی گفتمان عدالت اجتماعی در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی ایران. **رساله‌ی دکتری رشته‌ی رفاه اجتماعی**، به راهنمایی دکتر جعفر هزارجریبی. دانشگاه علامه طباطبایی، آبان ماه
- قلخانی، حمیدرضا. (۱۳۹۶). تحلیل گفتمان یادداشت‌های رسانه‌ای برجام در رسانه‌های داخلی. **پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته مطالعات فرهنگی و رسانه**، به راهنمایی دکتر ابراهیم شیخ‌زاده مرند. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تابستان
- کریمی، علی. (۱۳۹۵). تاملی بر برجام دستاوردهای سیاست داخلی. **برجام، سیاست‌ها، دستاوردها و الزامات**، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری
- کسرابی، محمدسالار؛ پوزش‌شیرازی، علی. (۱۳۸۸). «نظریه‌ی گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی». **فصلنامه‌ی سیاست** مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. پاییز ۱۳۸۸، دوره‌ی ۳۹. شماره‌ی ۳، صص ۳۶۰-۳۳۹
- کوثری، مسعود؛ مولایی، محمدمهدی. (۱۳۹۱). «گونه‌شناسی گفتمان‌های موسیقی رپ ایرانی فارسی». **فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات**. زمستان ۱۳۹۱، دوره‌ی ۸، شماره‌ی ۲۹، صص ۱۱۶-۹۱
- گلشایی، رامین. (۱۳۹۲). «ارزیابی نظریه‌های انسجام و پیوستگی متنی، به‌سوی چارچوبی برای ارزیابی خوانش‌پذیری در سطح گفتمان». تهران. **دو فصلنامه‌ی علمی پژوهشی نگارش کتب دانشگاهی**. زمستان ۱۳۹۲، دوره‌ی ۱۷، شماره‌ی ۳۱. صص ۵۷-۳۱
- مظفری، زهرا. (۱۳۹۶). «تحلیل زبان‌شناختی بازتاب برجام در گفتمان‌های رقیب بر اساس رویکرد انتقادی فرکلاف». **فصلنامه‌ی مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران**. دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی کرمانشاه. زمستان ۱۳۹۶، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۱۹، صص ۸۰-۶۳
- مقدمی، محمدتقی. (۱۳۹۰). «نظریه‌ی تحلیل گفتمان لاکلا و موف و نقد آن». **فصل‌نامه‌ی علمی پژوهشی معرفت فرهنگی اجتماعی**. بهار ۱۳۹۰، سال دوم، شماره‌ی دوم، صص ۱۲۴-۹۱
- یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوییز. (۱۳۸۹). **نظریه و روش در تحلیل گفتمان**. ترجمه‌ی هادی جلیلی. چاپ هفتم، تهران: نشر نی.
- Akbarzadeh, S and Conduit D. 2016. "Rouhani's First Two Years in Office, Opportunities and Risks in Contemporary Iran". In Shahram Akbarzadeh & Dara Conduit (editors) **Iran in the World, President Rouhani's Foreign Policy**. New York. Palgrave Mac millan
- Chandler, D. 2002. **Semiotics, the Basics**. Routledge. Second edition 2007

- Derrida, J. 1978. **Writing and Difference**. London. Routledge
- Fairclough, N. 2003. **Analysing Discourse: Textual Analysis for Social Research**. London. Routledge
- Howarth, D. 2000. **Discourse**. Open University press. Philadelphia
- Jorgensen, M and Philips, L. 2002. **Discourse Analysis as Theory and Method**. London. Sage publications
- Laclau, E and Mouffe, C. 1985. **Hegemony and Socialist Strategy, Toward a Radical Democratic Politics**. London. Verso publication
- Laclau, E and Mouffe, C. 1987. "Postmarxism Without Apologies". **New Left Review**. Vol. 166, pp. 79-106
- Laclau, E. 1990. **New Reflections on Revolution of Our Time**. London. Verso Publications
- Laclau, E. 1996. **Emancipation(s)**. London. Verso publications
- Laclau, E. 2005. **On Populist Reason**. London. Verso
- Mouffe, C. (1993). **The Return of the Political**. London; Verso
- Saikal, A. 2016. "Iran and the Changing Regional Strategic Environment". In Shahram Akbarzadeh & Dara Conduit (editors) **Iran in the World, President Rouhani's Foreign Policy**. New York. Palgrave Mac Millan
- Sheyholislami, J. 2008. "Identity, Discourse, and the Media: The Case of the Kurds". **Unpublished Doctoral Thesis**. Carleton University. Canada
- Sjölander, A. (2011). Comparing Critical Discourse Analysis and Discourse Theory. In **Tracking Discourses, Politics, Identity and Social Change**. Edited by: Annika Egan Sjölander and Jenny Gunnarsson Payne, Lund, Sweden: Nordic Academic Press
- Torfing, J. (1999). **New Theories of Discourse, Laclau, Mouffe and Zizek**. Oxford. Blackwell publications